



Authorized Murder in the Criminal System of Iran and America (State of Texas); Examples of Authorized Murders

Masoud Naghdi Zarrin *

Master's degree holder in Private Law, Faculty of
Humanities, Department of Law, Islamic Azad
University, Qods City Branch, Iran.

Abstract

Authorized murder is a complex issue that the legislator has allowed to be committed with exceptional actions and created conditions for it in the law. This issue is rooted in old traditions or jurisprudence-religion that has infiltrated the laws of countries. In Iran, although there is a discussion of legal murder in local cultures, the main source of Iran's Islamic Penal Code is jurisprudence, and the conditions considered in this law for authorized murders originate from jurisprudence. In the United States, this issue is mostly derived from the common law system, but the local culture has also influenced this issue, and therefore we see that in some states, different conditions are considered in regard with authorized murder than in other states. Considering this issue, we have done an analytical-descriptive study of the issue of authorized murder in the criminal systems of Iran and America and we have advanced our discussion with the library method. The results of the research show that legal murder in Iran has strict conditions that make it very difficult to strictly comply with the legal standards for committing murder at that moment and this causes the legislator to not recognize authorized murder but instead authorized murder. In contrast, in America, especially in the state of Texas, it has the conditions that the legislator has considered certain signs for committing murder and this issue has caused many murders to be committed and thus, the lax conditions of the legislator have caused the spread of this type of murder.

Keywords: authorized murder, legal murder, American legal system, Iranian legal system, criminal laws of the state of texas

Received: 06/September/2023

Accepted: 16/November/2023

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

قتل مجاز در نظام کیفری ایران و آمریکا (ایالت تگزاس)؛ مصادیق قتل‌های مجاز از منظر قانونی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، ایران.

* مسعود نقدی زرین

چکیده

قتل مجاز، موضوع پیچیده‌ای بوده که قانون‌گذار، ارتکاب آن را با اعمال استثنائاتی مجاز دانسته و شرایطی را در قانون برای آن به وجود آورده است. این موضوع، ریشه در سنت‌های قدیمی و فقهی-دینی دارد که به قوانین کشورها رخنه کرده است. در ایران نیز گرچه بحث قتل مجاز در فرهنگ‌های محلی وجود دارد ولی منشأ اصلی قانون مجازات اسلامی ایران، فقه بوده و شرایطی که در این قانون برای قتل‌های مجاز در نظر گرفته شده، منبعث از فقه است. در ایالات متحده نیز این موضوع بیشتر از نظام کامن‌لا منشأ گرفته ولی فرهنگ محلی نیز بر آن تأثیر گذاشته است. لذا، شاهد این موضوع هستیم که پیرامون موضوع قتل مجاز، در برخی ایالت‌ها شرایط متفاوتی نسبت به دیگر ایالت‌ها در نظر گرفته شده است. با لحاظ این موضوع به بررسی تحلیلی-توصیفی موضوع قتل مجاز در نظام‌های کیفری ایران و آمریکا پرداخته و با روش کتابخانه‌ای بحث خود را پیش می‌بریم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قتل مجاز در ایران دارای شرایط سخت‌گیرانه‌ای بوده که رعایت دقیق موازین قانونی را برای ارتکاب قتل در آن لحظه بسیار دشوار می‌سازد. این موضوع باعث عدم شناسایی قتل مجاز توسط قانون‌گذار می‌شود. در مقابل، قتل مجاز در آمریکا، به‌خصوص در ایالت تگزاس، دارای شرایطی بوده که قانون‌گذار، نشانه‌های مشخصی را برای ارتکاب قتل مجاز در نظر گرفته است. این موضوع باعث انجام قتل‌های بسیاری شده که علت رواج آن، شرایط سهل قانون‌گذار است.

کلیدواژه‌ها: قتل مجاز، قتل قانونی، نظام حقوقی آمریکا، نظام حقوقی ایران، قوانین کیفری ایالت تگزاس

مقدمه

قتل مجاز شامل مواردی است که معمولاً قانون‌گذار، قتل را توسط افراد در محلی خاص یا محل جرم، مجاز می‌داند. اینکه چه کسی مستحق قتل است و چه کسی را می‌توان در محل کشت، قانون معین می‌کند ولی شرایطی که معمولاً قوانین کشورها وضع می‌کنند، دارای ویژگی‌هایی نیست که قاتل در آن حال و در همان لحظه بتواند تشخیص داده و طبق همان شرایط قتل مجاز را مرتکب شود. لذا در اغلب موارد، قتل کاملاً مجاز شناخته نمی‌شود. این موضوع، چالش بزرگی را برای قانون‌گذاران و حقوقدانان به وجود آورده است. در ایران نیز به تاسی از فقه، تعدادی قتل مجاز وجود دارد اما هدف ما بررسی همه آن‌ها نیست بلکه ما درصدد بررسی قتل‌هایی هستیم که شخص با علم به ارتکاب قتل و با مجوز قانون، اقدام به قتل نماید. در سوی دیگر، قتل در آمریکا مدنظر ما است. با توجه به اینکه به تعداد ایالت‌های آمریکا نظام حقوقی محلی وجود دارد، بررسی همه قوانین ایالت‌ها (به تعداد پنجاه و اندی) میسر نیست و چاره‌ای نبود، جز اینکه ایالت تگزاس را مورد بررسی قرار دهیم. در ایالات متحده نیز قتل مجاز، بیشتر شامل دفاع از جان، دفاع از اموال، به خصوص در مورد سرقت و افسران پلیس است. البته، قتل توسط افسران پلیس و اقدامات پلیس آمریکا بیشتر مطرح است؛ با این حال، به هیچ عنوان پلیس در اعمال اختیارات خود دارای اختیار بی‌حد و حصر نیست. پس محدودیت‌هایی در این مورد وجود دارد که باید به آن‌ها توجه داشت. در ایران نیز قتل توسط پلیس دارای محدودیت‌های بسیار سنگینی است. این موضوع سبب شده تا پلیس ایران خیلی کم اسلحه خود را به کار گیرد؛ مگر در مواردی که مجوز تیر مستقیم از سوی مافوق خود را داشته باشد.

بدین ترتیب، بحث را به دو قسمت قتل مجاز در ایران و قتل مجاز در آمریکا دسته‌بندی کرده و به بررسی این موارد پرداخته‌ایم.

مفهوم قتل مجاز

احتمالاً هیچ نوع رفتار پرخاشگرانه دیگری به اندازه قتل، موضوع نگرانی و تحقیقات عمومی و حرفه‌ای نبوده است. چنین مفهومی تقریباً به طور کامل به قتل جنایی محدود شده است؛ یعنی قتلی که غیرقانونی بوده و دارای ضمانت اجرای قانونی است. اغلب درک نمی‌شود که همه قتل‌ها لزوماً مجرمانه نیستند. گرچه قتل، کشتن یک انسان توسط انسان دیگر است اما شرایط وقوع رویداد است که ماهیت مجرمانه یا غیر مجرمانه آن را مشخص می‌کند. در کامن‌لا، قتل غیر کیفری یا بی‌گناه به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱) قتل قابل توجیه: قتل عمدی که توسط قانون دستور داده شده یا مجاز است. به عنوان مثال، می‌توان به کشتن دشمن در حین جنگ، اجرای حکم قانونی اعدام، قتل‌های غیرقابل اجتناب در دستگیری مجرم یا جلوگیری از فرار وی و مواردی که در دفاع مشروع ضروری است و قاتل را در معرض خطر قریب‌الوقوع مرگ یا جسمی بزرگ قرار می‌دهد، اشاره داشت.

۲) قتل قابل معذور: قتل غیرعمدی که بدون قصد آسیب و بدون سهل انگاری مجرمانه انجام می‌شود. همچنین، قتلی که برای دفاع از خود در اثر جنایات ناگهانی انجام می‌شود در زمانی که شخصی پس از درگیری ناگهانی، دیگری را می‌کشد تا خود را از خطر معقول ظاهری یا آسیب بدنی بزرگ نجات دهد. تفاوت قتل موجه و معذور در دفاع از خود این است که قاتل تا حدی مقصر تلقی می‌شود. تمایز اصلی بین دو نوع قتل بی‌گناه این است که در یکی، قتل تحت شرایطی انجام می‌شود که صرفاً بهانه است در حالی که در دیگری، قتل کاملاً موجه است.

قتل مجاز در ایران

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، موارد زیر به عنوان قتل مجاز در نظر گرفته می‌شوند:

۱. قاتل، پدر یا جد پدری باشد.
۲. قاتل، دیوانه یا نابالغ باشد.
۳. قاتل، مست باشد.
۴. هرگاه شخص در حال بیهوشی یا خواب، دیگری را بکشد.
۵. قاتل، مسلمان و مقتول، غیرمسلمان باشد.
۶. قتل شخص مهدورالدم موضوع بند الف ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی
۷. قتل عمدی که در مقام دفاع مشروع ارتکاب می‌یابد.
۸. قتل عمدی مرد اجنبی که با همسر فردی در حال زنا باشد.
۹. قتل عمدی در اجرای امر آمر قانونی.

در این مقاله، نظر ما بیشتر در مورد قتل در فراش (موضوع بند هشتم فوق)، قتل مهدورالدم و قتل توسط مأمور اجرای قانون است؛ یعنی مواردی که شخص با اراده خود و با علم به ارتکاب قتل، آن را انجام دهد. لذا، مواردی که ما مورد بررسی قرار می‌دهیم، دارای انگیزه ارتکاب قتل هستند و تنها عاملی که قتل را مجاز می‌کند، اراده قانون‌گذار است. با وجود اینکه قتل صورت می‌گیرد و نظم عمومی خدشه‌دار می‌شود ولی قاتل دارای نیت خاصی از ارتکاب قتل است.

قتل فراش

به موجب قانون مجازات اسلامی، چند شرط برای تحقق حالت فراش در قتل لازم است که عبارت‌اند از:

الف) وجود علقه زوجیت

ماده ۶۳۰ ق.م.ا. مقرر می‌دارد که اگر فردی همسر خود را در حال رابطه جنسی و مقاربت با فرد بیگانه یا اجنبی ببیند، می‌تواند اقدام به قتل آن‌ها کرده و از قصاص معاف شود. بند ث ماده ۳۰۲ ق.م.ا. می‌گوید: زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است؛ اما اینکه همسر به چه کسی اطلاق می‌گردد، امری است که با استفاده از مواد قانون مدنی مشخص می‌گردد و تا زمانی که نکاح با عواملی چون طلاق، فسخ نکاح و اتمام دوره مورد توافق یا بذل مدت در عقد موقت پایان نپذیرد، به قوت خویش باقی خواهد ماند. در حقوق مدنی، منظور از رابطه حقوقی زوجیت، رابطه‌ای است حقوقی که به وسیله عقد بین مرد و زن ایجاد می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند (امامی، ۱۴۰۱، ۲۶۹-۲۶۸). باید توجه نمود، آنچه پس از وقوع عقد، اعم از دائم یا موقت، بین زوجین تحت عنوان دوران عقد وجود دارد و در آن طرفین جدای از یکدیگر زندگی می‌کنند، تأثیری در تحقق این حکم نخواهد داشت و طرفین در این دوره به واسطه جاری شدن عقد شرعی، همسر شرعی و قانونی یکدیگر محسوب می‌گردند.

ب) وقوع واقعه

جهت تحقق شرط معافیت از مجازات، وقوع زنا لازم است و مرد باید شاهد عمل زنا بین همسر خود و مرد اجنبی باشد که مورد تصریح ماده ۶۳۰ و بند ث ماده ۳۰۲ ق.م.ا. قرار گرفته است. منظور از مرد اجنبی (زانی)، مردی است که آمیزش او با آن زن حرام باشد؛ بنابراین، هر مردی به غیر از شوهر زن که طرف عقد نکاح نیست، از نظر قانون، اجنبی محسوب

می‌شود؛ حتی اگر به زن محرم باشد، مانند پدر، برادر، پدربزرگ، عمو، دایی و یا پدرشوهر. البته در فقه، شخص ثالث نسبت به طرفین عقد را نیز اجنبی می‌گویند (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱، ص ۱۴).

ج) مشاهده زن خود و مرد اجنبی توسط شوهر

شوهر باید عمل زنا بین همسر خود با مرد اجنبی را مشاهده کند. به عبارت دیگر، شوهر باید ناظر مستقیم و بلاواسطه عمل زنا به شکل منعکس شده در ماده ۶۳۰ ق.م.ا. باشد که البته بند ۳ ماده ۳۰۲ ق.م.ا. اشاره‌ای به آن نکرده و به ارجاع موضوع به شرحی که در قانون مقرر شده، بسنده کرده است. درواقع، معیار ثبوت جرم زنا، رؤیت و مشاهده شوهر است؛ بنابراین، اگر به‌عنوان مثال کسانی برای مردی روایت کنند که همسرت با فلان مرد اجنبی ارتباط دارد و یا حتی اشخاصی (به تعداد کافی) برای مرد شهادت دهند که زن وی را در حال زنا و در فراش با فلان مرد اجنبی، مطابق ماده ۶۳۰ ق.م.ا. دیده‌اند و یا اصلاً خود شوهر از طریق عکس و فیلم ویدئویی، صحنه زنا را مشاهده نماید، در هیچ کدام از این موارد، موجبی برای کشتن مرد اجنبی و زن شوهردار فراهم نخواهد شد (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۲۸۰).

د) ارتکاب قتل در حین مشاهده عمل زنا

به‌موجب ماده ۶۳۰ ق.م.ا. «در همان حال شوهر صرفاً بلافاصله بعد از مشاهده صحنه جرم ارتكابی، حق قتل یا ضرب و جرح دارد و چنانچه در همان حالت اقدام نکند، بعد از جدا شدن زن و مرد اجنبی از هم، امکان استفاده از معافیت را نخواهد داشت». مفهوم این شرط دلالت بر این امر دارد که فقط زمانی مرد از قصاص معاف است که بلافاصله بعد از دیدن عمل زنا توسط همسر خود با مرد اجنبی، اقدام به قتل یا ضرب و جرح کند و چنانچه بعد از اتمام عمل و خارج از وقت و محلی که عمل مزبور در حال انجام است، مرتکب قتل شود، چنین قتلی جنبه انتقام دارد و مقنن، ارتکاب چنین قتلی را ممنوع می‌داند؛ اگرچه ممکن است بتوان چنین موردی را از مصادیق ماده ۳۰۳ ق.م.ا. و تلقی مهدورالدم بودن زن و مرد اجنبی دانست که البته اثبات آن نیز محتاج دلیل است (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۲۸۹).

لذا، زمانی شوهر حق دارد علیه اجنبی و همسر خود اقدامی نماید که در همان حال (زنا) اقدام به قتل یا ضرب و جرح آن‌ها نماید؛ بدین معنا که شوهر باید بلافاصله بعد از مشاهده صحنه جرم ارتكابی، مرتکب قتل یا ضرب و جرح شده باشد و تنها در این صورت از قصاص معاف است. ماده ۶۳۰ ق.م.ا. با قید «در همان حال آنان را به قتل برساند»، به این موضوع اشاره کرده ولی در بند ۳ ماده ۳۰۲ ق.م.ا. از این قید خبری نیست و ارجاع به شرایط قانونی بر آن دلالت می‌نماید.

ه) علم به تمکین زن در صورت قتل زانیه

شوهر در صورتی می‌تواند همسر خود را بکشد که علاوه بر شرایط دیگر، به تمکین زن نیز علم داشته باشد. این شرط با عبارت «علم به تمکین زن داشته باشد»، در ماده ۶۳۰ ق.م.ا. و با قید «در غیر موارد اکراه» و «اضطرار در بند ۳ ماده ۳۰۲ ق.م.ا.» مورد اشاره قرار گرفته است. این شرط ناشی از آن است که در مباحث فقهی زنا، فقها وجود قصد و اراده را در مرد مفروض می‌دانند لکن در مورد زن، به احتمال وجود اکراه از طرف مرد نسبت به زن قائل‌اند و لذا در این فرض نیز قائل به لزوم یقین شوهر به تمکین همسر خود برای مجاز بودن قتل او شده‌اند. احراز این شرط در عالم اثبات و تشخیص تمکین یا عدم، آنچه برای شوهر در مشاهده حین و چه برای قاضی در حین رسیدگی از مسائل پیچیده بحث قتل در فراش است ولی در هر حال، با توجه به قرائن و امارات، کشف آن ناگزیر است و برای جلوگیری از معاف بودن از مجازات قتل‌هایی است که به صرف ظن و گمان واقع می‌شوند. همچنین، در صورت یقین شوهر به مکره بودن زن خود، قطعاً کشتن او مجاز نیست و شوهر فقط حق کشتن مرد بیگانه را دارد (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۰).

بنابراین، اعمال مجاز برای شوهر مطابق ماده ۶۳۰ و بند ث ماده ۳۰۲ ق.م.ا. افعالی را شامل می‌شود که انجام آن‌ها برای زوج، علیه زوجه و اجنبی جایز بوده که عبارت است از قتل، ضرب و یا جرح. مثلاً اگر از مشاهده صحنه زنا، زانی و زانیه را در محل ارتکاب زنا زندانی نماید و اجازه خروج از آن محل را به ایشان ندهد تا بر اثر گرسنگی و تشنگی جان خود را از دست بدهند؛ یا اینکه اقدام به انجام شکنجه‌های جسمی و روحی علیه آن‌ها نماید و سپس آن‌ها را رها سازد یا اینکه پس از شکنجه‌های متعدد و مستمر آن‌ها را به قتل برساند؛ یا در مقام انتقام زنا زانی با همسرش اقدام به تجاوز به زانی نمود و مرتکب جرم لواط به عنف گردد؛ یا حتی اقدام به ارتکاب جرائم علیه اطرافیان زانی و زانیه گردد، رفتار وی حائز چه وصفی خواهد بود و آیا می‌توان آن را مشمول معافیت قرارداد یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال، گروهی از حقوق‌دانان قائل‌اند که به دو دلیل، معافیت باید شامل هرگونه جرمی شود که از ناحیه زوج ارتکاب می‌یابد؛ اول اینکه قانون‌گذار مهم‌ترین جرائمی را که ممکن است از طرف مرد تحریک شده ارتکاب یابد، ذکر کرده و از اشاره به جرائمی که از اهمیت کمتری در مقام مقایسه برخوردار است، اجتناب کرده است. دوم اینکه بر اساس این اصل که موارد ابهام و اشکال باید به نفع متهم تفسیر گردد، سایر جرائم (مانند قتل و ضرب و جرح) را باید معاف از مجازات دانست. در نقد این نظر باید گفت، اولاً وقتی قانون‌گذار قتل زانی و زانیه را فقط در همان حال مشاهده زنا، از مجازات معاف می‌داند ولی پس از اتمام ارتکاب زنا این حق را از زوج سلب می‌نماید، چگونه می‌توان به زوج اجازه ارتکاب سایر جرائمی را داد که بعضاً تا مدت مدیدی بعد از مشاهده زنا به طول می‌انجامد؟ مثل اینکه زوج، زانی و زانیه را در محل ارتکاب زنا حبس کند تا از گرسنگی و تشنگی بمیرند؛ یا مثلاً اعمال منافعی عفت را علیه زانی مرتکب شود و بعد از مدتی وی را به قتل برساند و غیره. در نتیجه باید گفت که نمی‌توان بر پایه قیاس اولویت و طبقه‌بندی جرائم بر اساس شدت و ضعف آن‌ها، مجوز ارتکاب سایر جرائم توسط شوهر را صادر نمود.

قتل توسط پلیس و مأموران

گرچه اقدام لازم پلیس برای کنترل ناهنجاری‌ها و هنجارگریزی‌ها ضروری است ولی در برخی موارد به هیچ عنوان نیازی به اقدام سنتی پلیس نیست و پلیس می‌تواند با ارشاد و راهنمایی و به نوعی با انعطاف با مسئله برخورد نماید. برای این امر، پلیس باید جامعه‌محور باشد، نه سازمان‌محور. سازمان‌محور از منظر سازمانی است که وی در آن به خدمت می‌پردازد. البته این رهنمودها و تعیین رویه‌ها و سیاست‌های جامعه‌محور باید از سوی همین سازمان صادر گردد (آدینه وند و غنی فتحی، ۱۳۹۴، ص ۸۷).

در برخی کشورها، حمایت بی‌حد و حصر از پلیس از طرف دولت و اقدامات سنتی پلیس برای حفظ نظم، نه تنها به ایجاد امنیت منجر نشده است بلکه جامعه را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو ساخته و پلیس را از جامعه و واقعیت‌های آن دور نموده است. مثال بارز آن، پلیس ایالات متحده بوده که نقض حقوق شهروندان و اقدامات خشونت‌بار آن‌ها نه تنها نتیجه نداده بلکه بازخوردهای عکس داشته است.

این واقعیت‌ها الزاماتی را بر پلیس تحمیل می‌کنند که در پرتو آن‌ها، پلیس نمی‌تواند از هر روش و ابزاری برای برقراری نظم استفاده کند. پلیس جهت برقراری نظم می‌تواند از دو نوع ابزار بهره‌برد؛ نخست، ابزارهای نظامی سرکوبگر و غیر اقلانعی و دوم، ابزارهای مدنی اجتماعی و اقلانعی. در رویکرد نظامی، اقدامات پلیس در راستای برقراری نظم در قالب «جنگ با جرم» جای می‌گیرد و پلیس به استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای نظامی سوق می‌یابد. در این رویکرد، سازمان پلیس به ابزارها و ادوات پیشرفته تجهیز می‌شود. این امر، سازمان را در قالب نظامی قرار می‌دهد. طبیعتاً در این قالب، آموزش و منش نیروهای پلیس نیز رنگ و بوی نظامی به خود می‌گیرد (افراسیابی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۰).

در خصوص حمل سلاح گرم توسط پلیس، در ایران مقررات «قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» مصوب ۱۸/۱۰/۱۳۷۳ حاکم است؛ هرچند در عنوان این قانون از عبارت «نیروهای مسلح» استفاده شده ولی مقررات آن ماهیتاً به اقدامات ضابطان دادگستری و به‌ویژه پلیس نظارت دارد چراکه ماده ۱ این قانون می‌گوید:

مأمورین مسلح موضوع این قانون که به‌منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم و یا در مقام ضابط قوه قضاییه به تفتیش، تحقیق و کشف جرائم و اجرای احکام قضایی و یا سایر مأموریت‌های محوله، مجاز به حمل و به کارگیری سلاح هستند، موظف‌اند به هنگام به کارگیری سلاح در موارد ضروری، کلیه ضوابط و مقررات این قانون را رعایت نمایند.

کلیه وظایفی بیان‌شده در این ماده، در شمار وظایف ضابطان دادگستری قرار دارند و بر اساس مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی که آموزش‌های لازم را سپری کرده و کارت ضابط دادگستری را دریافت کرده‌اند، ضابط عام هستند و در اکثر جرائم وظایف ضابط را انجام می‌دهند. هرچند این مواد به صراحت، تجهیز پلیس به سلاح گرم را مطرح نکرده است اما از آنجا که نیروی انتظامی بر اساس ماده ۲ قانون تشکیل ناجا مصوب ۱۳۶۹، نیروی مسلح شناخته شده است، مأموران پلیس در ایران در همه مأموریت‌های سازمانی مرتبط با وظایف ذاتی آن‌ها (برقراری نظم)، اختیار حمل سلاح را دارند (افراسیابی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۱).

باید توجه داشت که تیراندازی‌های غیرمجاز در پلیس ایران، ضمانت اجرای کیفری مدنی و انضباطی را در پی دارد. ضمانت اجرای کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ بیان شده‌اند و ضمانت اجرای انضباطی در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح و قانون استخدامی ناجا در بخش کمیسیون‌های انضباطی موضوع مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ آمده‌اند. چنانچه تیراندازی پلیس، قانونی شناخته شود، مأمور تیراندازی هیچ مسئولیتی ندارد اما اگر تیراندازی غیرمجاز شناخته شود یا متوفی یا مجروح بی‌گناه باشد، حسب مورد، مأمور تیرانداز یا ناجا مسئولیت دارد (رجبی، ۱۳۸۹، ص ۸۳).

در این موارد، صرف غیرمجاز بودن تیراندازی به معنای عمدی بودن جنایت نیست بلکه تشخیص عمد یا غیر عمد بودن بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ انجام می‌شود. موضوع نیازمند بررسی در این زمینه این است که در صورت تیراندازی غیرمجاز در برخی موارد به استناد بند (ب) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، رأی قصاص نفس صادر شده است اما قبح اخلاقی این گونه تیراندازی‌های غیرمجاز به میزانی نیست که حکم قصاص نفس صادر شود و با مأمورانی که در جریان برقراری نظم، با تقصیر ساده یا فاحش مرتکب قتل شهروند بی‌گناه می‌شوند، به مثابه رفتار شهروند عادی که در جریان شوخی یا تقصیر ساده یا فاحش، مرتکب قتل دیگری می‌شود، برخورد شود زیرا اولاً مأمور پلیس برای برقراری نظم در گیر چنین واقعه‌ای شده است و ثانیاً برقراری نظم، وظیفه پلیس است. پلیس نمی‌تواند از انجام وظیفه خودداری کند اما یک شهروند عادی چنین وظیفه‌ای ندارد و مجبور به حمل سلاح گرم نیست. لذا، شهروندان عادی در قبال حمل سلاح گرم، مسئولیت کیفری مجزا از قتل عمد دارند ولی مأموران پلیس به دلیل حمل سلاح، مسئولیت کیفری ندارند (آقای، ۱۳۹۲).

قتل مهدورالدم

مهدورالدم، یکی از اصطلاحات فقه اسلامی است که به فردی اطلاق می‌شود که خونس باطل بوده و قانون از آن حمایت نمی‌کند. به این ترتیب، قتل چنین فردی مستوجب دیه یا قصاص نمی‌شود. واژه عربی مهدور از ریشه هدر به معنای باطل بوده و به فردی اطلاق می‌شود که خونس هدر است. قانون مجازات اسلامی در تبصره ۲ ماده ۲۹۵، تشخیص وقوع جرم،

تعیین مجرم و اجرای مجازات مهدورالدم را توسط افرادی که نماینده دولت محسوب نمی‌شوند، مجاز شمرده است. این ماده، از یک سو اصل صلاحیت نهادهای دولتی در واکنش کیفری را نادیده می‌گیرد و از سوی دیگر، آثار نامطلوبی مانند تضعیف نهادهای دولتی، ایجاد ناامنی و جرم‌زایی را به دنبال دارد (نادری و رنجبرزاده، ۱۳۹۸، ص ۱).

ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برخلاف قانون سابق در مورد افراد مهدورالدم سکوت نکرده و پنج فقره اشخاص را جزء اشخاص مهدورالدم محسوب نموده است. سه دسته از این افراد (بندهای الف، ب و ت) به طور مطلق نسبت به همه افراد مهدورالدم محسوب نموده که عبارت‌اند از مرتکب جرم حدی مستوجب سلب، حیات مرتکب جرم حدی مستوجب قطع عضو و شخص متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است. دو فقره نیز غیر معصوم عارضی محسوب شده‌اند که عبارت‌اند از مستحق قصاص نفس یا عضو فقط نسبت به صاحب قصاص و به مقدار آن و زانی و زانیه در حال زنا، فقط نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار. در مورد بندهای الف و ب ماده ۳۰۲، نظر مشهور فقهای عظام آن است که کسی که مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات و مرتکب جرم حدی مستوجب قطع عضو را بدون حکم حاکم به قتل برساند، گرچه مرتکب حرام شده و دارای مجازات است لیکن قصاص نمی‌شود (محقق حلی، ۱۳۶۰، ص ۲۰۱).

موضوع قصاص شامل این مورد نیست بلکه عدم اطلاق و نبودن عموم حکم قصاص نسبت به این موارد ثابت است بر فرض آنکه چنین امری ثابت نباشد؛ حداقل وجود چنین اطلاق و عمومی ثابت نیست و آنچه در اینجا نیاز به دلیل دارد، مشروعیت قصاص و جواز آن است. علاوه بر اینکه قاعده رأی نیز در این فرض مانع از حکم قصاص است. در مورد بند ت نباید این توهم ایجاد شود که با بودن ماده ۱۵۶ در این قانون، نیازی به ذکر بند «ت» ماده ۳۰۲ نیست و طرح دفاع در این ماده، تکرار ماده ۱۵۶ بوده و چیزی در اضافه آن ندارد زیرا اولاً ماده مورد بحث در مورد شرایط عمومی قصاص است. فلذا، یکی از مهم‌ترین شرایط قصاص آن است که مجنی علیه مهدورالدم نباشد و گرنه مجازات مرتکب، مجازات غیر قصاصی خواهد بود.

قتل مجاز در آمریکا

در مورد معافیت قتل در فراش در ایالات متحده آمریکا، یکی از حقوق‌دانان آمریکایی معتقد است که در نظام کیفری آمریکا، زنا یا مرد متأهل به عنوان یک محرک مؤثر در تغییر ماهیت عمل قاتل پذیرفته شده است. این امر در همه جا عملاً یک قانون است که شوهری که به طور ناگهانی همسر خود را در حال انجام عمل زنا می‌بیند، به طور متعارفی تحریک می‌شود. به همین جهت، وقتی در حالت خشم همسر یا معشوق یا هر دو را با قصد قتل می‌کشد، جرم ارتكابی، قتل عمدی در حکم غیر عمد است و نه قتل عمدی. همچنین، زوجه ممکن است پس از اینکه همسرش را با زن دیگری در حال زنا ببیند، در اثر تحریک به طور متعارفی خشمگین شود (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳).

در بسیاری از ایالت‌ها، با توجه به ماهیت دفاع از متهم انتظار می‌رود که در صورت امکان، عقب‌نشینی کند. در ایالت‌های آلاباما، آلاسکا، آریزونا، کالیفرنیا، کلرادو، کنتیکت، فلوریدا، جورجیا، هاوایی، ایندیانا، کانزاس، کنتاکی، لوئیزیانا، مین، مریلند، ماساچوست، میشیگان، می‌سی‌سی‌پی، میسوری، مونتانا، نیوجرسی، کارولینای شمالی، اوهایو، اوکلاهاما، اورگان، پنسیلوانیا، رود آیلند، کارولینای جنوبی، تنسی، تگزاس، ویرجینیای غربی، واشنگتن و وایومینگ، هیچ وظیفه‌ای برای عقب‌نشینی در شرایط خاص وجود ندارد (بسته به ایالت، ممکن است به خانه، محل کار یا وسیله نقلیه شخصی یا هر مکان عمومی که شخصی در آن حضور قانونی دارد، اعمال شود). دفاع شخصی پیشگیرانه‌ای نیز که در آن، یکی دیگری را به قتل برساند، به ظن اینکه ممکن است در نهایت خطرناک شود، قابل توجیه نیست (Bronson, 2003, p. 30).

در حکم دادگاه عالی ایالات متحده در ناحیه کلمبیا علیه هلر^۱، اکثریت معتقد بودند که قانون اساسی از حق داشتن سلاح گرم به منظور دفاع از خود محافظت می‌کند و استفاده از آن سلاح برای اهداف سنتی قانونی، مانند دفاع در داخل خانه مجاز است (Rutberg, 2017).

دو نوع دیگر قتل قابل توجیه منحصر به سیستم زندان است؛ مجازات اعدام و جلوگیری از فرار زندانیان. قانون مجازات ایالتی کالیفرنیا (قانون ایالتی)، قتل قابل توجیه را چنین توصیف می‌نماید:

«قتل زمانی قابل توجیه است که توسط افسران دولتی و کسانی که به دستور آن‌ها در کمک و مساعدت به آن‌ها عمل می‌کنند، انجام شود و یا عوامل زیر به عنوان قتل مجاز در نظر گرفته می‌شود:

در اطاعت از هر حکم دادگاه صالح، در صورت لزوم غلبه بر مقاومت واقعی در برابر اجرای برخی مراحل قانونی یا انجام هر وظیفه قانونی دیگر. در صورت لزوم در دستگیری مجرمانی که نجات یافته یا فرار کرده‌اند یا در صورت لزوم در دستگیری افرادی که متهم به جنایت هستند و در حال فرار از عدالت یا مقاومت در برابر دستگیری هستند» (Bosman, 2015).

اگرچه متن بالا از قوانین کالیفرنیا است ولی بسیاری از ایالت‌های دیگر مانند فلوریدا، نیویورک، کالیفرنیا و غیره، قوانین مشابهی برای جلوگیری از فرار از بازداشت دارند. به عنوان مثال، می‌توان به دفاع شخصی، پیشگیری از عمل مجرمانه، متجاوزین و دفاع از شخص دیگر اشاره نمود. در ادامه، عوامل توجیه قتل در ایالات متحده را مورد توجه قرار می‌دهیم.

قتل توسط افسران پلیس

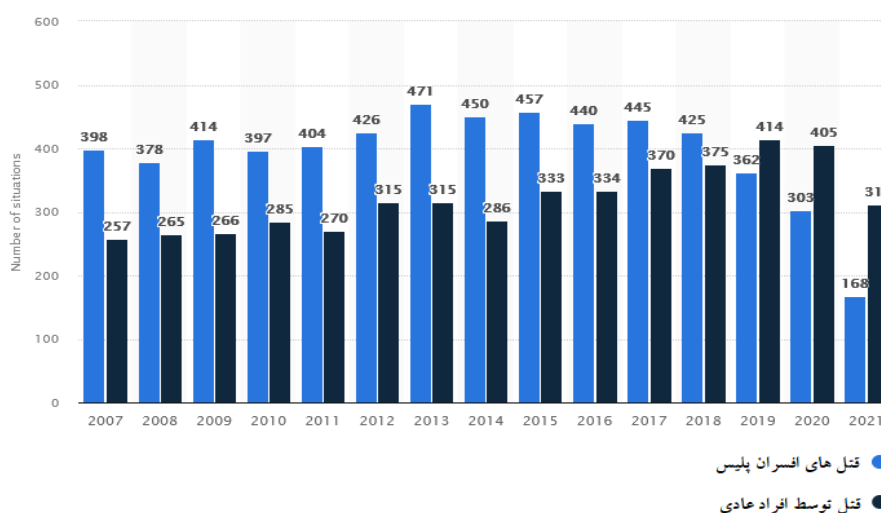
قانون تگزاس، برخلاف قانون عادی، هرگز قتل افسری را که به دنبال دستگیری متخلف یا متهم بود، «صرفاً بر اساس جدیت جرم مفروض» توجیه نکرده است؛ بنابراین، در صورت عدم مقاومت متهم که مأمور را در ترس جان یا صدمات شدید بدنی قرار می‌دهد، مأمور به دلیل موقعیت خود حق ندارد جان متهم را بگیرد (Cohen & Reaves, 2006).

ماده ۱۲۱۲ (۱۰)، تنها موردی را ارائه می‌دهد که یک افسر می‌تواند به طور موجه اقدام به قتل کند درحالی که قتل در دفاع از شخص او نباشد.

این ماده قانونی، تفسیر نسبتاً دقیقی نموده است و در مواردی که نگهبان تلاش می‌کند یک محکوم ندامتگاهی فراری را دستگیر کند، قابل اجرا نیست. همچنین از حق محدودی که طبق ماده ۱۲۱۲ (۱۰) تأمین شده است، ضابط حقوقی بالاتر از شهروند عادی ندارد؛ هرچند حق دستگیری مأمور در مرحله اول وسیع‌تر از شهروند عادی است. دادگاه‌ها همواره اعلام کرده‌اند که حق دستگیری شامل حق قتل نمی‌شود.

به علاوه، اگر دستگیری غیرقانونی باشد، افسر حق دفاع کامل خود را از دست می‌دهد؛ مگر در مواردی که غیرقانونی ناشی از اشتباه قضای از سوی قاضی یا دادگاه باشد که دستور بازداشت را صادر کرده است و شخصی که تحت بازداشت غیرقانونی قرار می‌گیرد، می‌تواند به طور موجه از نیرویی استفاده کند که به نظر او برای جلوگیری از دستگیری غیرقانونی ضروری است. برای خواننده معمولی، مفاد قانون جزا که در درجه اول مربوط به قتل قابل توجیه توسط افسران پلیس است، ممکن است به شدت محدودکننده به نظر برسد. حقوقی که طبق مواد ۱۲۱۰ تا ۱۲۱۸ برای یک افسر پلیس تضمین شده است و ماده ۱۲۲۲، قتلی را که برای جلوگیری از جرائم شدیدتر انجام می‌شود، توجیه می‌کند. در چنین مواردی، افسر لازم نیست به صورت دفاعی عمل کند اما ممکن است ابتکار عمل را به دست بگیرد (McKinney, 2013).

درحالی که قانون تگزاس این امتیاز را به افسر تعمیم نمی‌دهد که یک مجرم را صرفاً به دلیل فرار او بکشد (به استثناء مواردی که به‌طور خاص در ماده ۱۲۲۲۵ ارائه شده است) یا صرفاً قتل را در هنگام تلاش برای دستگیری مجدد انجام دهد ولی باین حال تصور می‌شود که چنین محدودیت‌هایی نسبت به قانون عرفی که حکم افسر را جایگزین حکم هیئت منصفه کرد، ارجح هستند. نمودار شکل ۱، میانگین قتل‌های افسران را نسبت به افراد عادی نشان می‌دهد (Gómez, 2000).



شکل ۱. میانگین قتل افسران نسبت به افراد عادی در ایالات متحده

دفاع شخصی (دفاع از جان و مال)

دفاع از جان

گذشته از حق، قتل به‌منظور جلوگیری از جنایت با زور یا غافلگیری، حقوق عرفی قتل به خاطر دفاع از خود را هنگامی که برای جلوگیری از وارد شدن صدمات شدید بدنی یا مرگ انجام می‌شود، توجیه می‌کند (معذور می‌کند). اگر حمله اولیه، ماهیت جنایت کارانه داشته باشد، شخص تهدیدشده، بدون تقصیر، ممکن است به جهت دفاع از خود به‌طور موجه ضارب را بکشد (Bosman, 2015). طبق حقوق کامن‌لا، فقط یکی از بستگان نزدیک می‌تواند در دفاع از دیگری مداخله کند؛ مگر در مواردی که قتل برای جلوگیری از جنایت بوده است. ماده ۱۲۲۲ قانون مجازات ایالت تگزاس، قتل را با هدف جلوگیری از قتل، تجاوز به عنف، معلول کردن، اخته کردن و برخی جرائم دیگر مربوط به مال، توجیه می‌کند. این ماده در مواردی قابل اجرا است که با اعمال یا الفاظ توأم با اعمال ظاهر شود. قصد ضارب جهت ارتکاب یکی از جرائم ذکرشده در صورتی که با سلاح باشد، قصد مجرمانه فرض می‌شود اما اگر قاتل به قصد جلوگیری از یکی از جرائم برشمرده، با سوءنیت عمل کند، مرتکب قتل شده است؛ هرچند مقتول، مرتکب یکی از جرائم برشمرده شده باشد، تنها دفاع ممکن او بر اساس ماده ۱۲۲۴ مربوط به "دفاع در برابر حملات خفیف‌تر" خواهد بود (Smith, 1998). طبق بند ۲ ماده ۱۲۲۲، قتل باید در حالی واقع شود که مقتول در حال ارتکاب جرم بوده یا پس از انجام عملی از سوی وی باشد که قصد ارتکاب یکی از جنایات برشمرده را نشان می‌دهد. درحالی که مواد ۱۲۲۲ بندهای (۲) تا (۳) ایجاب می‌کند، قتل در زمانی که مجرم در حال ارتکاب جرم است و قبل از اینکه جرم واقعاً به پایان برسد، انجام شود. این قاعده کلی توسط سایر مقررات ماده ۱۲۲۲ بسیار قابل بررسی است؛ بدین صورت که:

۱. در مورد تجاوز جنسی، ممکن است در هر زمانی قبل از فرار از حضور قربانی خود کشته شود.

۲. قاتل ممکن است تا زمانی که هنوز در حال اعمال خشونت است، کشته شود؛ اگرچه ممکن است زخم و جراحت مرگبار بر وی وارد شده باشد.

۳. در موارد ناقص کردن، اخته کردن یا هرگونه صدمات بدنی، قتل ممکن است در هر زمان که مجرم با فرد مجروح با خشونت رفتار می‌کند، انجام شود (Ready, 2017).

در صورتی که قاتل بتواند برخلاف مقررات قانونی، دفاع مشروع خود را بر اساس ماده ۱۲۲۲ قرار دهد، لازم نیست برای پیشگیری از جرم به سایر وسایل معقول دیگر متوسل شود. لذا ممکن است فوراً اقدام کند. درحالی که ماده ۱۲۲۲، قتل را در برابر حمله جنایت کارانه توسط طرف مورد حمله یا شخص ثالث مداخله‌کننده توجیه می‌کند، قانون تگزاس مربوط به دفاع از شخص در برابر حمله غیرقانونی و غیر جنایت کارانه، منطبق با ماده ۱۲۲۴ است:

قتل در حمایت از شخص، قابل توجیه است ... در مقابل هر تعرض غیرقانونی و خشونت‌آمیز دیگر، غیر از موارد مذکور [رجوع کنید به ماده ۱۲۲۲] باید برای پیشگیری از صدمه به سایر وسایل و ابزارها متوسل شد و قتل باید در حالی واقع شود که مقتول در حال انجام چنین حمله غیرقانونی و خشونت‌آمیزی باشد (Ebby, 1993, p. 381).

پروفسور استامبرگ^۱ اصرار دارد که تفسیر صحیح عبارت "هر حمله غیرقانونی دیگر" این است که حمله، درحالی که قصد ارتکاب قتل، تجاوز، ناقص کردن و از بین بردن چهره را نشان نمی‌دهد، این نگرانی منطقی را در ذهن فرد مورد حمله ایجاد می‌کند که مرگ یا اگر اجازه داده شود حمله ادامه پیدا کند، صدمات جدی بدنی به دنبال خواهد داشت. پروفسور استامبرگ در تأیید این تفسیر به زبان ماده ۱۲۲۶ استناد می‌کند که:

حمله به شخص به منظور توجیه قتل باید به گونه‌ای باشد که انتظار معقول یا ترس از مرگ یا صدمات جدی بدنی ایجاد کند.

یقیناً اگر مقنن، ماده ۱۲۲۶ را صلاحیت بیان کلی ماده ۱۲۲۴ به شمار آورده باشد، استدلال پروفسور استامبرگ غیر قابل توضیح است.

بسیاری از پرونده‌های قدیمی‌تر از توجیه قتل زمانی که در دفاع از یک حمله غیر جنایت‌آمیز ارتکاب می‌یابد، امتناع کرده‌اند. اگرچه این موارد صریحاً رد نشده‌اند ولی موارد جدیدتر به‌طور مداوم چنین قتلی را توجیه‌پذیر می‌دانند. علاوه بر این، این حمله نباید به گونه‌ای باشد که باعث ایجاد ترس معقول از مرگ یا آسیب جدی بدنی شود. موضع دادگاه در این موارد این است که هرگونه حمله غیرقانونی، حتی حملاتی که ماهیت غیر جنایت کارانه داشته باشد، تا زمانی که فرد مورد حمله برای دفع حمله، به همه وسایل معقول دیگر متوسل شود، به جز عقب‌نشینی، قتل را توجیه می‌کند. قتل در حالی اتفاق می‌افتد که فرد کشته‌شده در حال انجام چنین حمله غیرقانونی است. بدیهی است دادگاه معتقد نیست که مقصود قانون‌گذار از ماده ۱۲۲۶، تحدید ماده ۱۲۲۴ باشد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد دادگاه‌ها معتقدند که هدف از ماده ۱۲۲۶، اعطای امتیاز به قتل، علاوه بر امتیازات مندرج در مواد ۱۲۲۲ و ۱۲۲۴ است. درحالی که دادگاه هرگز این امر را صریحاً اعلام نکرده است، تجزیه و تحلیل موارد منجر به نتیجه معقول دیگری نمی‌شود (Vaughn, 2018).

در پرونده برتراند علیه ایالت، متهم از خود دفاع کرد. واقعیت‌ها حاکی از آن بود که متوفی که سال‌ها کوچک‌تر از متهم بود، قبل از اینکه متهم به او شلیک کند، با مشت به متهم حمله کرده و دو ضربه به وی وارد کرد. هیئت منصفه نظر داد که اگر به‌طور منطقی به نظر می‌رسید که متهم در خطر مرگ یا صدمات شدید بدنی است، او می‌تواند جان ضارب خود را بگیرد، به شرطی که او به همه ابزارهای معقول دیگر برای دفع حمله متوسل شود.

دفاع از مال و اموال

قانون تگزاس در مورد دفاع از دارایی و اموال، بسیار فراتر از قوانین سایر ایالت‌های آمریکا است. با این حال، ماده ۱۲۲۲، قتل را زمانی موجه می‌داند که به‌منظور جلوگیری از سرقت، آتش‌سوزی، دزدی و سرقت در شب انجام شود؛ "محدود به این شرط که قاتل به اعتقاد منطقی عمل کند که قصد متوفی، ارتکاب یکی از جنایات برشمرده شده باشد". اگر قتل با سوءنیت و نه برای جلوگیری از یکی از جرائم ذکر شده باشد، رفتار قاتل موجه نیست؛ هرچند مقتول مرتکب یکی از جرائم مندرج در ماده ۱۲۲۲ شده باشد (Holguin, 2002).

با اینکه ماده ۱۲۲۲، امتیاز قتل را فراتر از عمل انجام‌شده نمی‌رساند اما در سرقت، آتش زدن و سرقت شبانه، امتیاز قتل تا مدتی پس از پایان جرم باقی می‌ماند. قتل در مورد سرقت در شب تا زمانی که مقصر در محدوده ساختمان یا محل سرقت باشد، قابل توجیه است. در مورد آتش‌سوزی، قتل ممکن است تا زمانی انجام شود که مجرم در ساختمان یا در داخل ساختمان باشد یا قبل از تخریب از آن فرار کرده باشد (Rubin, 2010).

این موضوع برای کشتن پس از انجام یکی از جرائم برشمرده‌شده، منجر به چندین تصمیم نگران‌کننده شده است. در پرونده ویتن علیه ایالت^۱، متوفی، شبانه در حال سرقت یک اسب بود. پس از کشف سارق ملک را رها کرد. با این حال، مالک پنج بار به او شلیک کرد. دادگاه بدوی، هیئت‌منصفه را متهم کرد که اگر متوفی در زمان قتل از قصد خود برای ارتکاب سرقت صرف‌نظر کرده باشد، قتل توجیه نخواهد شد. در دادگاه تجدیدنظر، دادگاه محکومیت را نقض کرد و گفت:

طبق قانون ما فرقی نمی‌کند که طرف ملک را رها کرده باشد و از محل سرقت، فرار کند. اگر درحالی که هنوز در دسترس شلیک گلوله از آن مکان است، به او شلیک شود، قتل قابل توجیه است.

پرونده ویتن، اگرچه به معنای واقعی کلمه از نظر قانونی صحیح است اما نمونه‌ای از نتایج غم‌انگیزی است که از زبان ماده ۱۲۲۲ سرچشمه می‌گیرد. از طرف دیگر، در صورتی که قتل برای جلوگیری از یکی از جرائم مندرج در ماده ۱۲۲۲ واقع نشود، قتلی که برای حفظ مال انجام شده است، ممکن است در شرایطی که قتل در دفاع از مال بوده، به‌موجب ماده ۱۲۲۴ موجه باشد؛ یعنی اگر ابتدا برای جلوگیری از صدمه به مال، به وسیله یا ابزار دیگری متوسل شده باشد و متوفی در حال حمله غیرقانونی و خشونت‌آمیز به مال باشد، قتل موجه است. از آنجا که ماده ۱۲۲۴، قتل را برای حفظ مال توجیه می‌کند، به‌موجب ماده ۱۲۲۷، محدود شده است و قاتل را ملزم به تصرف واقعی و قانونی اموال مادی می‌کند. هنگامی که مالکیت واقعی از بین رفت، حتی اگر تصرف ضارب غیرقانونی باشد، قتل بر اساس تئوری حمایت از اموال موجه نخواهد بود (Kingstone, 2005).

محافظت از اموال با توسل به زور، ولو منجر به قتل شود، می‌تواند به نتایج تکان‌دهنده‌ای ختم گردد. به‌عنوان مثال، در لیلی علیه ایالت^۲، یک قتل در نتیجه مشاجره بر سر در اختیار داشتن چندین خوک رخ داد. دادگاه، ادعای متهم را تأیید کرد که ماده ۱۲۲۴، نه قاعده عرفی را شامل نمی‌شود و در صورت استفاده از همه ابزارهای معقول دیگر برای جلوگیری از جراحت، محق است از دارایی خود محافظت کند و چنانچه قتل در حالی صورت گرفته باشد که مقتول در حال حمله غیرقانونی و خشونت‌آمیز به مال بوده است، این اقدام مهم تلقی می‌گردد. ماده ۱۲۲۴ از تعبیر «حمله غیرقانونی و خشونت‌آمیز» استفاده می‌کند. پرونده‌های قبلی تگزاس، ساختار بسیار لیبرال‌تری را در این موضوع ایجاد کردند به‌طوری که تلاش صرف برای تصرف غیرقانونی مالکیت (مثلاً در اختلافات تحدید حدود املاک) برای توجیه قتل کافی بود؛ اگرچه صرف کشتن یک متجاوز نمی‌تواند موجه باشد (Harris et al., 2002).

1. Whitten v. State Case
2. Lilly v. State

زنا

در گذشته، طبق نظام حقوقی کامن‌لا، زنا قتل را توجیه نمی‌کرد؛ بنابراین، در انگلستان همانند بسیاری از ایالات آمریکا، دادگاه‌ها با پایبندی به حقوق عرفی، قتل توسط شوهر یا شریک او را با عنوان قتل در نظر می‌گرفتند اما اگر شوهر با برانگیختگی و ناگهانی عمل کند، ممکن است به قتل درجه دوم تقلیل یابد. این حکم وجود دارد که در صورت کشتن شوهر توسط زن، همان اثر تخفیفی به زن داده شود (Spierenburg, 2008).

ماده ۱۲۲۰ قانون مجازات تگزاس مقرر می‌دارد:

قتل زمانی قابل توجیه است که زوج با زن زنا کند، مشروط بر اینکه قتل قبل از جدایی طرفین عمل انجام شود. در صورتی که به نظر آید از طرف شوهر، هرگونه همدستی یا رضایت در رابطه زنا محصنه وجود داشته است، چنین شرایطی نمی‌تواند قتل را توجیه کند. خارج از حقوق عرفی، قتل نه تنها قابل توجیه است بلکه نیازی به انجام آن به صورت برانگیختگی یا عصبانیت نیست اما اگر انگیزه قتل، غیر از رابطه زنا محصنه باشد، قاتل به موجب ماده ۱۲۲۰، متهم به قتل نمی‌شود و در صورتی که شوهر به زنا محصنه اغماض یا رضایت داشته باشد، قتل موجه نیست (Morral, 2007).

لذا، هیچ مبنای محکمی برای حمایت گسترده ارائه شده توسط ماده ۱۲۲۰ از سوی شوهر وجود ندارد. قاعده عرفی بر این اساس توضیح داده شده است که باید برای ضعف‌های طبیعی انسانی، اجباری در نظر گرفته شود. ناهماهنگی قانون تگزاس با این واقعیت نشان داده می‌شود که شوهر ممکن است زن خود را به طور موجهی بکشد. شوهر ممکن است عمداً جان همسرش را قصد قبلی قتل را بگیرد. توضیحی که دادگاه‌ها برای این موارد ارائه می‌دهند، این است که هیچ حق ذاتی برای کشتن دیگری برای هر هدفی وجود ندارد و قتل موضوعی است که قانون‌گذار و نه دادگاه در درجه اول به آن توجه دارد. این منطق، موقعیت‌هایی را توضیح می‌دهد که قانون شامل آن‌ها نمی‌شود و خود قانون را توضیح نمی‌دهد.

نتیجه‌گیری

در نظام پلیسی ایران، همه ضابطان قضایی و فرماندهان، افسران و درجه‌داران عملیاتی به سلاح گرم مسلح می‌شوند در صورتی که این کار ضروری نیست و فقط در مأموریت‌های خطیر باید مأموران به سلاح گرم تجهیز شوند. در واقع، بحث ضرورت در نظام پلیسی ایران فقط در تیراندازی پیش‌بینی شده است. برای تجهیز مأموران به سلاح گرم نیز بهتر است به ملاک ضرورت مراجعه شود و فقط در موارد ضروری، مأموران به این ابزار تجهیز شوند. حمل سلاح گرم توسط پلیس، راه را برای رفتار احساسی خشن با شهروندان باز می‌کند و مأمور پلیس در جریان درگیری لفظی یا فیزیکی با متهمان یا شهروندان عادی، به جای مذاکره لسانی اقناعی با شهروند عادی یا اقدام فیزیکی و استفاده از فنون ورزشی برای دستگیری متهم، به سلاح گرم متوسل می‌شود. در خصوص استفاده از سلاح گرم نیز باید گفت، موارد مجاز تیراندازی بر اساس قانون جاری، انسجام درونی ندارد.

در مورد مهدورالدم بودن باید اذعان داشت که اقدام به تعیین مجازات برای هرگونه اعمال خصوصی مجازات حتی توسط صاحبان حق قصاص، از نوآوری‌های قابل توجه و قابل تأیید در سیاست جنایی تقنینی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محسوب می‌گردد. همچنین، به نظر می‌رسد از دیدگاه این قانون، هیچ فرد مهدورالدمی وجود ندارد، چه آنکه قانون‌گذار عمداً از لفظ مهدورالدم یا اصطلاحات مشابه استفاده نکرده و تنها در ماده ۳۰۲، از اشخاصی نام برده که قتل آن‌ها مستلزم قصاص نیست؛ نه آنکه قتل آن‌ها جایز باشد.

از طرف دیگر، مقررات قانون جزای تگزاس در آمریکا در مورد قتل موجه و تفسیر قضایی آن‌ها منعکس‌کننده سرعت جامعه امروزی ما نیست بلکه معرف قانون غرب قدیم است. بخش عمده‌ای از قانون جزا بدون تغییر مانده است؛ به‌ویژه، در زمینه قتل‌های موجه که هیچ تلاش قابل توجهی از سوی قانون‌گذار برای مدرن کردن قوانین صورت نگرفته است.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین تفاوت و شاخص و حتی شباهت، در مورد قتل فراش در قوانین کیفری دو کشور باشد. موضع نظام قضایی آمریکا در چند مورد با مفاد ماده ۶۳۰ ق.م.ا. متفاوت است؛ اول آنکه در ایالات متحده آمریکا، معافیت ناظر نسبت به زوجین تعریف شده و زن نیز مشمول معافیت است در حالی که در قانون جمهوری اسلامی ایران، معافیت فقط شامل مرد خواهد بود. دوم آنکه مبنای معافیت در آمریکا، تحریک و برانگیختگی است ولی مبنای معافیت در ایران، مبانی فقهی و اجازه قانون است. سوم آنکه معافیت قتل در فراش در آمریکا از اسباب تخفیف و سبب تبدیل قتل عمد به غیر عمد است ولی این معافیت در ایران، جزء علل موجه و سبب عدم تحقق مسئولیت کیفری و مدنی و از علل اباحه رفتار مجرمانه است.

منابع

- آقای نی، حسین. (۱۳۹۲). *سخنرانی در ارتباط با نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. تهران: معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا.
- افراسیابی، علی. (۱۳۹۴). *اختیارات قانونی پلیس در کاربرد سلاح گرم (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و انگلستان)*. آموژه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۹، ۱۹۹-۲۲۴.
- امامی، حسن. (۱۴۰۱). *حقوق مدنی (خانواده)*. چاپ چهارم و هفتم، جلد ۳، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- آدینه‌وند، سلمان و غنی فتحی، طارق. (۱۳۹۴). *حقوق متقابل مردم و نیروی انتظامی، چالش‌ها و راهکارها*. فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۱(۱)، ۸۹-۹۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۴۰۱). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ ۳۶، انتشارات گنج دانش.
- خنکدار، ایرج و گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۲). ارتکاب قتل به ادعای مهدورالدم بودن مقتول در سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران. *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی*، ۱۱ (ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق).
- رجبی، ابراهیم. (۱۳۸۹). *مسائل قضایی به‌کارگیری سلاح توسط مأموران*. تهران: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه.
- شیبانی، ملیحه. (۱۳۹۴). *شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی*. فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، ۱(۱).
- غلامی، علی. (۱۳۹۶). *قتل در فراش؛ در آیین فقه و حقوق*. چاپ اول، انتشارات میزان.
- محقق حلی. (۱۳۶۰). *شرایع الاسلام*. جلد ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مهرپور، حسین. (۱۳۷۵). *سیری در مبانی فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی*. مجله‌نامه مفید، (۸).
- نادری، سپیده، رنجبرزاده، فرزانه. (۱۳۹۸). *قتل مهدورالدم، دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی*.
- Bosman, J. (2015). *Nebraska bans death penalty, defying a veto*. The New York Times.
- Bronson, F. (2003). *The billboard book of number 1 hits: the inside story behind every number one single on billboard's hot 100 from 1955 to the present*. Billboard Books.
- Cohen, T. H., Reaves, B. A. (2006). *Felony defendants in large urban counties, 2002*. bureau of justice statistics. U.S. Department of Justice.
- Ebby, R. (1993). *Constitutional Law: When Does Guilty of Third Degree Murder Equal Not Guilty by Reason of Insanity?*. Villanova Law Review, 38(4).
- Gómez, L.E. (2000). Race, colonialism, and criminal law: Mexicans and the american criminal justice system in territorial New Mexico. *Law & Society Review*, 34(4), 1129-1202.
- Harris, A. R., Thomas, S. H., Fisher, G. A., & Hirsch, D. J. (2002). Murder and medicine: The lethality of criminal assault 1960-1999. *Homicide studies*, 6(2), 128-166.
- Holguin, J. (2002). *A Murder A Minute*. CBS News. Archived from the original on September 18, 2017.

- Kingstone, S. (2005). UN highlights Brazil gun crisis. *BBC News*. Archived from the original on 2010-03-27.
- Kopp, P. M. (2014). *Is burglary a violent crime? An empirical investigation of classifying burglary as a violent felony and its statutory implications*. City University of New York.
- McKinney, M. (2013). Drug dealers charged with murder in Twin Cities heroin overdose deaths; As heroin deaths hit record highs across the Twin Cities, angry prosecutors are more likely to file third-degree murder charges against dealers. *Minnesota Star-Tribune*. Retrieved March 13, 2018.
- Morrall, P. (2007). Murder and society: why commit murder?. *Criminal Justice Matters*, 66(1), 36-37.
- Norman, L. E. (1992). Once more into the breach, dear friends, once more. *The Acorn*, 7(1), 29-37.
- Rubin, J. (2010). Killing in L.A. drops to 1967 levels. *Los Angeles Times*. Archived from the original on 2011-01-19. Retrieved 2011-01-27.
- Rutberg, S. (2017). Nothing but a Northern Lynching: The Death of Fred Hampton Revisited.
- Spierenburg, P. (2009). *A History of Murder: Personal Violence in Europe from the Middle Ages to the Present*, Polity, 2008. Referred to in "Rap Sheet Why is American history so murderous?". Archived 2010-01-09 at the Wayback Machine by Jill Lepore New Yorker.
- Vaughn, J. (2018). Homicide without the intent to kill. *The Sentinel. Commonwealth v. Ludwig*, 583, 6.

